



جغرافیا و روابط انسانی، زمستان ۱۳۹۹، دوره ۳، شماره ۳

شناسایی و تحلیل پیش نیازهای برنامه ریزی توسعه اقتصادی با تاکید بر مشاغل زنجیره ای و تعاونی در روستاهای بخش مرکزی هیرمند

حسین دوستی مقدم^{۱*}، فاطمه سارانی^۲

۱- دانشجوی دکتری تخصصی جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه پیام نور مرکز تحصیلات تکمیلی،

ایران h.doostizabole@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده جغرافیا و برنامه

ریزی محیطی، زاهدان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۳

چکیده

امروزه بسیاری از روستاهای کشور به دلیل نبود شغل و بیکاری جوانان روز به روز با مهاجرت جوانان و خالی شدن از سکنه مواجه می‌شوند. یکی از راه‌های جلوگیری از مهاجرت روستاییان ایجاد شغل و مهمتر از آن ایجاد شغل‌هایی است که به وسیله خود روستاییان به صورت زنجیره‌ای و تعاونی تشکیل شده است. هدف این پژوهش شناسایی و تحلیل پیش نیازهای برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی با تاکید بر مشاغل زنجیره‌ای و تعاونی در روستاهای بخش مرکزی هیرمند است. پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از حیث ماهیت و روش انجام کار توصیفی-تحلیلی است. که به دو روش مطالعه کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل سه گروه پشتیبان‌ها، شاغلین و فعالان اقتصادی در حوزه فعالیت‌های اقتصادی پهنجانه است که از میان آن‌ها تعداد ۳۳ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات بدست آمده از تحلیل‌های کمی و کیفی استفاده شد که برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات از روش‌های آماری (توصیفی و استنباطی) و با بهره‌گیری از مدل هفت سرمایه و مدل رادار استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد با توجه به مدل هفت سرمایه (رادار) و کسب بیشترین امتیاز توسط سرمایه نهادی و سرم سرمایه زیرساختی و سرمایه نهادی، مشخص می‌شود که این دو سرمایه بیشترین تاثیر را در توسعه مشاغل عام المنفعه در منطقه مورد مطالعه دارند. با توجه به زنجیره شغلی مشاغل زنجیره‌ای و تعاونی مورد مطالعه مشخص شد که می‌توان با ایجاد تعاونی و تامین زنجیره‌های پیشین و پسین برای هر کدام از مشاغل مورد مطالعه، باعث ایجاد اشتغال پایدار در منطقه مورد مطالعه شد.

واژه‌های کلیدی: توسعه، توسعه اقتصادی، برنامه ریزی، برنامه ریزی، بخش مرکزی هیرمند

مقدمه

برنامه‌های توسعه روستایی جزئی از برنامه‌های توسعه هر کشور محسوب می‌شوند که برای دگرگون‌سازی، ساخت اجتماعی، اقتصادی روستایی بکار می‌روند. از سوی دیگر توسعه روستایی را می‌توان عاملی در بهبود شرایط زندگی افراد متعلق به قشر کم درآمد ساکن روستا و خودکفا سازی آنان در روند توسعه کلان کشور داشت. توسعه اقتصادی عبارت است از رشد اقتصادی همراه با تغییرات در اقتصاد و افزایش ظرفیت‌های تولید اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی است (زهره وندی، ۱۳۹۱: ۱۴). توسعه روستایی مفهومی با سابقه است، هر چند که مفهوم آن از لحاظ محتوا و کارکرد در راستای سازماندهی توسعه در نواحی روستایی، بطور مداوم تغییر کرده است. اهمیت توسعه روستایی در کشورهای کمتر توسعه یافته بیشتر به دلیل نقش مهم نواحی روستایی در اقتصاد آنها می‌باشد. با این توصیف، توسعه جریانی چند بعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادی ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است؛ و هدف از آن رسیدن به یک نوع پایداری و هم‌زمان حرکت رو به جلو می‌باشد. توسعه به مفهوم تأمین آرزوها و ایده‌ها در ارتباط با بینش‌ها و نیازمندی‌های ما می‌باشد (خدابنده لو، ۱۳۹۴: ۲). یکی از ابعاد توسعه، توسعه اقتصادی است؛ فرایندی است که طی آن درآمد سرانه افزایش یافته و به طور مناسب توزیع می‌شود؛ افزایش تولید، شرط لازم برای توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. عوامل متعددی در ایجاد توسعه اقتصادی نقش دارند، از جمله می‌توان، به عوامل جمعیتی، منابع طبیعی، سرمایه، تکنولوژی و مدیریت به عنوان عوامل مادی مؤثر در توسعه اقتصادی اشاره کرد (رحمانی فضلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۹).

هرچند طی چند دهه اخیر، فعالیت‌های اقتصادی سنتی در مناطق روستایی همچون کشاورزی، معدن و جنگل تضعیف شده اما جستجو و به‌کارگیری راهکارهای جدید جهت تقویت پایه‌های اقتصادی و توجه به فعالیت‌های اقتصادی در مناطق روستایی را بیش از پیش ضروری نموده است. این تضعیف (روند نزولی وضعیت اقتصاد روستا را) امروزه می‌توان با گسترش فقر و بیکاری، جابجایی و مهاجرت‌های گسترده روستائیان به شهرها، کاهش امنیت غذایی، قرار گرفتن عمده جمعیت روستایی در حاشیه، و مواردی از این دست دانست. در این چارچوب، برنامه ریزی جهت تقویت نظام اقتصاد روستاها جهت دستیابی به توسعه پایدار روستایی لازم و ضروری می‌باشد. زیرا اقتصاد سالم قادر است خود را از طریق گسترش فعالیت‌های فرعی جنبی مبتنی بر منابع و تولیدات موجود احیا کند. به موازات پایدار شدن اقتصاد، وجوه سرمایه‌گذاری همراه با نظارت و کنترل محلی افزایش می‌یابد (خدابنده لو، ۱۳۹۴: ۳). دستیابی به رفاه و توسعه هدفی است که تمامی شیوه‌های برنامه ریزی در جستجوی آن هستند. در واقع وجه اشتراک انواع برنامه ریزی در همین نکته است و وجه افتراق آنها در ماهیت و ابزارهایی است که برای رسیدن به رفاه و توسعه به کار می‌برند (خشنود و همکاران، ۱۳۹۶: ۳)؛ به همین دلیل برخی روش‌های برنامه ریزی به صورت بلندمدت و برخی کوتاه مدت اند و برخی نیز موفقیت‌چندانی به دست نمی‌آورند. امروزه متناسب با تغییرات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، نگرش متفاوتی به مقوله برنامه ریزی ایجاد شده است. در برنامه ریزی روستایی نیز این تغییر نگرش چشمگیر بوده است، تا جایی که روش‌های اوزالیدی و از بالا به پایین جای خود را به روش‌های راهبردی مشارکتی داده‌اند (بشیر احسن و قربان نژاد، ۱۳۹۶: ۹۵).

از نظر جغرافیایی شهرستان هیرمند در شمال استان سیستان و بلوچستان قرار گرفته است و محدود است از جنوب به شهرستان زهک، از شمال به دریاچه هامون و افغانستان، از غرب به شهرستان زابل و از شرق به کشور افغانستان محدود می‌شود. این

شهرستان با مرکزیت دوست محمد، از سال ۱۳۸۶ از شهرستان زابل جدا و به عنوان شهرستان مستقل در شمال استان سیستان و بلوچستان تبدیل گردیده است. از نظر جمعیتی طبق آمار سال ۱۳۸۵ این شهرستان دارای جمعیتی در حدود ۷۴۲۷۳ نفر بوده است که در سرشماری سال ۱۳۹۵ با کاهش جمعیت مواجه شده است به طوری که جمعیت این شهرستان در سال ۱۳۹۵ برابر با ۶۳۹۷۳ نفر بوده است. براساس آمار دو دهه گذشته به علت بسته شدن مرز و کاهش آب وارداتی از افغانستان به این شهرستان که منجر به رکود فعالیت های اقتصادی خصوصا فعالیت های مربوط به بخش کشاورزی که ناشی از کمبود آب در این منطقه است باعث شده تا مشکلات بسیار زیاد اقتصادی و اجتماعی برای مردم این منطقه از کشور بوجود بیاید که در نتیجه این عوامل و مشکلات منجر به مهاجرت مردم این بخش به مناطق دیگر شده است. همچنین وجود مخاطرات محیطی که در منطقه مورد نظر وجود دارد همچون بادهای ۱۲۰ روزه سیستان که منجر به وجود آمدن ریزگردهای فراوان در این منطقه شده است مردم این محدوده را با مشکلات فراوان روبرو ساخته است. بدیهی است که مهمترین عامل مهاجرت مردم در این محدوده در وهله اول نبود آب و اشتغال مناسب در روستاهای مورد نظر که باعث کاهش درآمد مردم این مناطق شده است و در وهله دوم نیز وجود ریزگردها در این خطه است که آن هم به نوعی به طور غیرمستقیم با فعالیت های اقتصادی و اشتغال مردم این محدوده ارتباط دارد. خشک شدن چاه های آب کشاورزی و دریاچه هامون، آلودگی های ناشی از ریزگردها، بیکاری بالا در بین مردم روستاها و به خصوص جوانان روستایی و مهاجرت روستاییان به شهرهای دیگر در جهت بهبود وضعیت اقتصادی خانواده و یافتن شغلی مناسب نمونه هایی از مشکلات و مسائل مورد نظر در بخش مرکزی هیرمند است.

براین اساس در این پژوهش سعی بر آن خواهد شد تا به بررسی و شناخت و ارزیابی توان ها و پتانسیل ها و همچنین محدودیت های اقتصادی در روستاهای این منطقه پرداخته شود تا ضمن شناخت توان ها و منابع موجود در منطقه بابرنامه ریزی و استفاده مطلوب از آن ها بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی منطقه را کاهش داده و منطقه را در مسیر توسعه همه جانبه و پایدار هدایت کرده باشد تا ضمن ارائه راهکارهایی مناسب و بابرنامه ریزی شده در جهت بهبود اشتغال روستاها اقدام به برنامه مناسبی در جهت ایجاد مشاغل زنجیره ای و تعاونی که همه روستاییان در آن مشارکت داشته باشند کند. از همین رو هدف این ارزیابی محرک ها و موانع طبیعی، اجتماعی، نهادی و غیره مرتبط با فعالیت های مشاغل زنجیره ای، ظرفیت فعلی و آینده اشتغالزایی این زنجیره ها و پیش نیازهای پایداری فعالیت های پنجگانه (حصیر بافی، بافندگی، مجتمع گلخانه ای، سوزن دوزی، پروابندی) است. این پژوهش در پی پاسخ به این سوال است که مهمترین نیازهای توسعه پایدار مشاغل زنجیره ای و تعاونی در روستاهای بخش مرکزی هیرمند کدام است؟ و مطلوب ترین و موثرترین راهکارهای ایجاد اشتغال پایدار در حوزه مشاغل زنجیره ای و تعاونی در بخش مرکزی شهرستان هیرمند چیست؟.

پیشینه تحقیق

وصال و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی نقش صنایع کوچک در توسعه اقتصادی- اجتماعی نواحی روستایی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که صنایع کوچک با ایجاد فرصت های شغلی جدید، تداوم شغلی، افزایش درآمد، تمایل درآمد، تمایل برای ماندگاری در روستا، کاهش مهاجرت به شهر و افزایش سطح تحصیلات در فرآیند حصول توسعه اقتصادی روستاهای مورد مطالعه نقش داشته است. شعبان زاده و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی ارتباط توسعه اقتصادی، تنوع فعالیت ها و آزادسازی تجاری با شدت انرژی در بخش کشاورزی پرداختند. نتایج حاکی از وجود رابطه بلند مدت بین متغیرهای یاد شده است. به طوری که اثر سهم بخش کشاورزی

بر شدت انرژی منفی بوده است. همچنین موثرترین متغیر بر شدت انرژی شاخص تنوع فعالیت می باشد. فزونی و همکاران، (۱۳۹۶) به بررسی نقش عوامل محیطی در توسعه اقتصاد روستایی پرداخته اند و به این نتیجه رسیده اند که بخش دیلمان با توجه به توان های غنی طبیعی، انسانی، تاریخی و اجتماعی از توان مناسبی جهت رشد و توسعه برخوردار است. سجاسی قیداری و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی اثرات تنوع بخشی اقتصاد روستایی بر تاب آوری معیشت روستاییان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که شاخص های متغیر تاب آوری در وضعیت مناسبی قرار دارد. همچنین بین شاخص های تاب آوری با متغیر تنوع شغلی رابطه معناداری وجود دارد. فصیحی (۱۳۹۷) به تحلیل نقش کلان شهرها در ساختار اقتصادی روستاهای پیرامون شهری پرداخته است و چنین نتیجه گرفته است که روستای مورد مطالعه طی شش دهه اخیر، رشد سرسام آور جمعیتی و فیزیکی را پشت سر گذاشته و تحولات عمیقی در ابعاد اقتصادی و اجتماعی پذیرفته است.

آروبی و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی تنوع فعالیت های اقتصادی بر تاب آوری معیشت روستاییان پرداختند و چنین نتیجه گرفتند که طوفان، سیل و خشکسالی اثرات منفی بر درآمد و هزینه خانوار دارند. دسترسی به اعتبارات خرد و وجه ارسالی داخلی و کمک هزینه های اجتماعی می تواند به خانواده ها کمک کرده و باعث تقویت تاب آوری به بلایای طبیعی شود. خانواده ها در کمون با میانگین هزینه بالاتر و توزیع هزینه های بیشتر، انعطاف پذیری بیشتری به بلایای طبیعی دارند. بیدالپ (۲۰۱۵) در روستاهای کامبوج نشان دادند که مهاجرت روستاییان به علت فقر و نبود اشتغال بوده است که با توسعه گردشگری روستایی اقتصاد خانوار و امرار معاش آنان از این طریق بهتر گردید. گاوریل (۲۰۱۵) در رومانی، گردشگری عاملی برای توسعه اقتصاد روستایی و جایگزینی برای وابستگی به کشاورزی است که هم فرصت اشتغال را فراهم می کند و هم محیط را برای جوانان روستا جذاب می نماید. هوانگ و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی تاب آوری اقتصاد روستاهای چین پرداختند و نتیجه گرفتند که تاب آوری روستایی بعد از اجرای سیاست، ۱۲۳ درصد، ۶۱ درصد و ۸۸ درصد افزایش یافته است. علت اصلی این تغییرات، تغییر در تاب آوری روستایی به شیوه های گوناگون اقتصادی توسعه در مناطق مختلف و نیز میزان توسعه بازار زمین و مقررات دولتی مربوط می شود. ویلسون و همکاران (۲۰۱۸) در مطالعه خود در باره توسعه اقتصادی دریافتند که روستای هو در حوزه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نسبتاً تاب آور هستند ولی در حوزه های طبیعی و سیاسی تاب آوری ضعیفی را نشان می دهند.

مبانی نظری

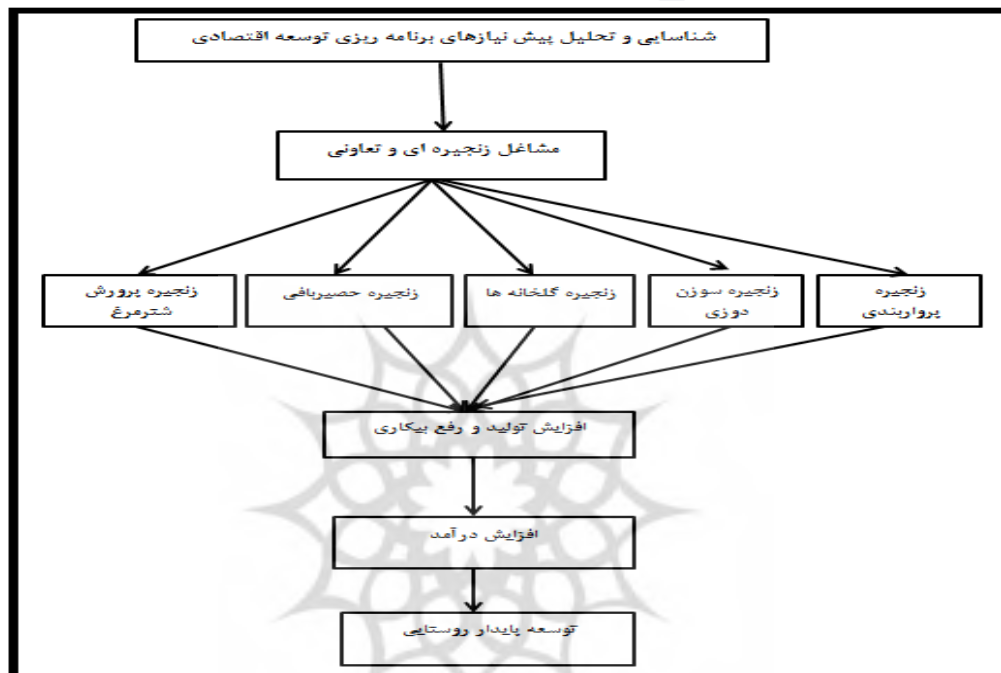
سابقه تاریخی واژه توسعه به سال های بعد از جنگ جهانی دوم باز می گردد. در آغاز، توسعه بر حسب رشد اقتصادی تعریف می شد و افزایش متغیرهای کلان اقتصادی، مانند تولید ناخالص داخلی، سرمایه گذاری، درآمد و مانند آن نشانه توسعه یافتگی جوامع به شمار می آمد. با گذشت زمان و افزایش اختلاف بین رفاه نسبی جوامع گوناگون در داخل یک کشور و بین کشورهای مختلف، موضوع توزیع عادلانه و کاهش فقر و برخورداری اکثریت مردم از مواهب توسعه مطرح گردید (مصلحی، ۱۳۹۵: ۱۰). از نظر لغوی، توسعه به معنای پیشرفت، ترقی و بهبود و می توان مفهوم آن را تغییر همراه با پیشرفت دانست که علاوه بر جنبه های کمی، به جنبه های کیفی نیز نظر دارد (شماعی و احمدی، ۱۳۹۵: ۱۱۸). توسعه تنها یک پدیده اقتصادی نیست، بلکه فرایندی چند بعدی است که شامل سازماندهی مجدد و جهت دهی اقتصاد و یس بها ستم اجتماعی است. همچنین به دنبال افزایش درآمد و بازدهی جامعه است (احمدی نژاد، ۱۳۹۱: ۱۲). توسعه اصولاً شامل تغییرات بنیادی در ساختارهای سازمان ها، جوامع و یرمیدها است توسعه پدیده جدیدی نیست؛ بلکه با انسان زاده می شود و همراه با تکامل زندگی اجتماعی انسان رشد کرده و هرگز با آن جدا

نبوده است (نعمتی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۷). توسعه اقتصادی همان رشد اقتصادی نیست هرچند همانگونه که در بحث توسعه بیان شد در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ غالباً توسعه اقتصادی و رشد اقتصادی یکی انگاشته می‌شد. لغت رشد اقتصادی در واقع به معنای تولید بیشتر است در صورتی که مفهوم توسعه اقتصادی هم به تولید بیشتر مربوط می‌شود و هم بر مفهوم به وجود آمدن تحول در چگونگی تولید محصول و معنی عامتری داشته و ل حد تولید بیشتر فراتر می‌رود و دلالت بر تحول در چگونگی تولید و همچنین تجدید نظر در تخصیص منابع و نیروی کار در رشته‌های مختلف تولید می‌کند (زهره و نندی، ۱۳۹۱: ۲۷). توسعه اقتصادی عبارت است از فرایندی که در طی آن شالوده‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه دگرگون می‌شود به طوری که حاصل چنین دگرگونی و تحولی در درجه اول کاهش نابرابری‌های اقتصادی و تغییراتی در زمینه‌های تولیدی، توزیع و الگوهای مصرف جامعه خواهد بود، توسعه اقتصادی الزاماً متضمن توسعه اجتماعی و ترقی جامعه به عنوان مجموعه ای زنده می‌باشد (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۳: ۴۶).

برنامه‌ریزی توسعه روستایی فرایند افزایش انتخاب مردم، گسترش دموکراتیک، تواناسازی و ظرفیت‌سازی مردم به منظور تصمیم‌گیری برای شکل‌دهی به فضای محیط زیست، افزایش رفاه و خوشبختی، گسترش فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه، تواناسازی زنان، فقیران و کشاورزان مستقل و آزاد برای سازماندهی فضای زیست خویش و همچنین تواناسازی برای انجام کار گروهی است (رکن الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸). مایکل تودارو در تعریف برنامه‌ریزی چنین تعریف می‌کند: تلاش آگاهانه که توسط یک سازمان هماهنگ‌کننده برای تحت تاثیر قرار دادن، جهت دادن و یا در مواردی حتی کنترل تغییراتی که در متغیرهای اصلی اقتصادی یک منطقه‌ای معین در طول زمان و بر طبق مجموعه هدف‌های از پیش تعیین شده صورت می‌گیرد (خدابنده‌لو، ۱۳۹۵: ۱۶). و آن فرایندی است که طی آن به صورت آگاهانه و ارادی به منظور رسیدن به اهداف مشخص اقتصادی انجام می‌گیرد. برنامه‌ریزی اقتصادی مساوی است با مجموعه‌ای از عملیات اقتصادی برای دستیابی به اهداف مشخص اقتصادی جامعه. در واقع، برنامه‌ریزی اقتصادی برای کنترل کلی ابعاد فعالیت‌های بخش خصوصی و بخش دولتی در تولید و توزیع و مصرف و تجارت می‌باشد (لشکری، ۱۳۸۸: ۱۰). همچنین برنامه‌ریزی اقتصادی کوشش سنجیده و آگاهانه توسط دولت به منظور تدوین تصمیم‌ها در زمینه چگونگی تخصیص عوامل تولید بین فعالیت‌ها یا صنایع مختلف و تعیین این که چه مقدار از کل کالا و خدمات باید در دوره‌های بعدی تولید گردد. برنامه‌ریزی اقتصادی فرایندی است در زمینه هدایت و جهت‌گیری و ایجاد هماهنگی در فعالیت‌های بخش‌های تولیدی؛ قلمرو برنامه‌ریزی اقتصادی بیشتر مسائل اقتصادی جامعه است و بخش‌های مختلف اقتصادی شامل کشاورزی، صنعت و خدمات و زیربخش‌های مربوطه را مورد مطالعه قرار می‌دهد. مکانیزم برنامه‌ریزی اقتصادی به صورت غیرمستقیم و عمدتاً براساس مکانیزم بازار عمل می‌نماید (زهره و نندی، ۱۳۹۱: ۲۹).

برخی از پژوهشگران با تکیه بر حقایق اقتصادی، ایجاد کسب و کارهای جدید را تنها استراتژی کارآمد برای توسعه اقتصادی در نواحی روستایی می‌دانند. فراهم کردن امکانات لازم برای ایجاد کسب و کارهای جدید و حمایت از روستاییان در شروع فعالیت‌های خود، نتیجه زیادی در توسعه اقتصادی روستاها داشته است. به عنوان مثال ایالت ویرجینیای غربی که کاملاً روستایی است، محیط مناسبی برای ایجاد کسب و کارهای جدید فراهم کرده و به دستاوردهای اقتصادی خوبی نیز دست یافته است (خدابنده‌لو، ۱۳۹۴: ۱۸-۲۰). نگاهی به سابقه برنامه‌ریزی روستایی در کشور نشان می‌دهد که اولین نطفه‌های برنامه‌ریزی روستایی در کشور به سال‌های ۱۳۱۶ می‌رسد. از این سال‌ها به بعد است که دخالت دولت در روستاها رو به فزونی گذاشت. و دولت طی اقدامات مختلف در روستاها سیاست‌ها و برنامه‌های متعددی را به اجرا درآورد. در ایران طی سال‌های قبل از انقلاب اسلامی پنج برنامه عمرانی تهیه و

به اجرا درآمد. بعد از انقلاب نیز سه برنامه توسعه جهت کشور و مناطق روستایی برنامه ریزی و اجرا شده که قابل ارزیابی است. آنچه از مفاد اقدامات دولت و محتوای این برنامه ها به نظر می رسد. این است که بیشتر اقدامات انجام شده جنبه فیزیکی و کالبدی داشته و در اهداف و مطالعات مربوط به برنامه ها بیش از جنبه های اجتماعی و کیفی به جنبه های اقتصادی و کمی توجه شده است. جریان توسعه روستایی با هدف خدمات رسانی به روستاها در سال های ابتدایی پس از انقلاب با روندی نسبتاً تند و شتابان از اقدامات فیزیکی و کالبدی در روستاها ادامه یافت و نهاد تازه تأسیس جهاد سازندگی عهده دار توسعه روستایی و به عبارتی بهتر عمران روستایی در روستاها شد. و در مدت زمان کوتاهی خدمات قابل توجهی به روستاها ارائه داد (طالشی و عفتی، ۱۳۹۰: ۱۲۲).



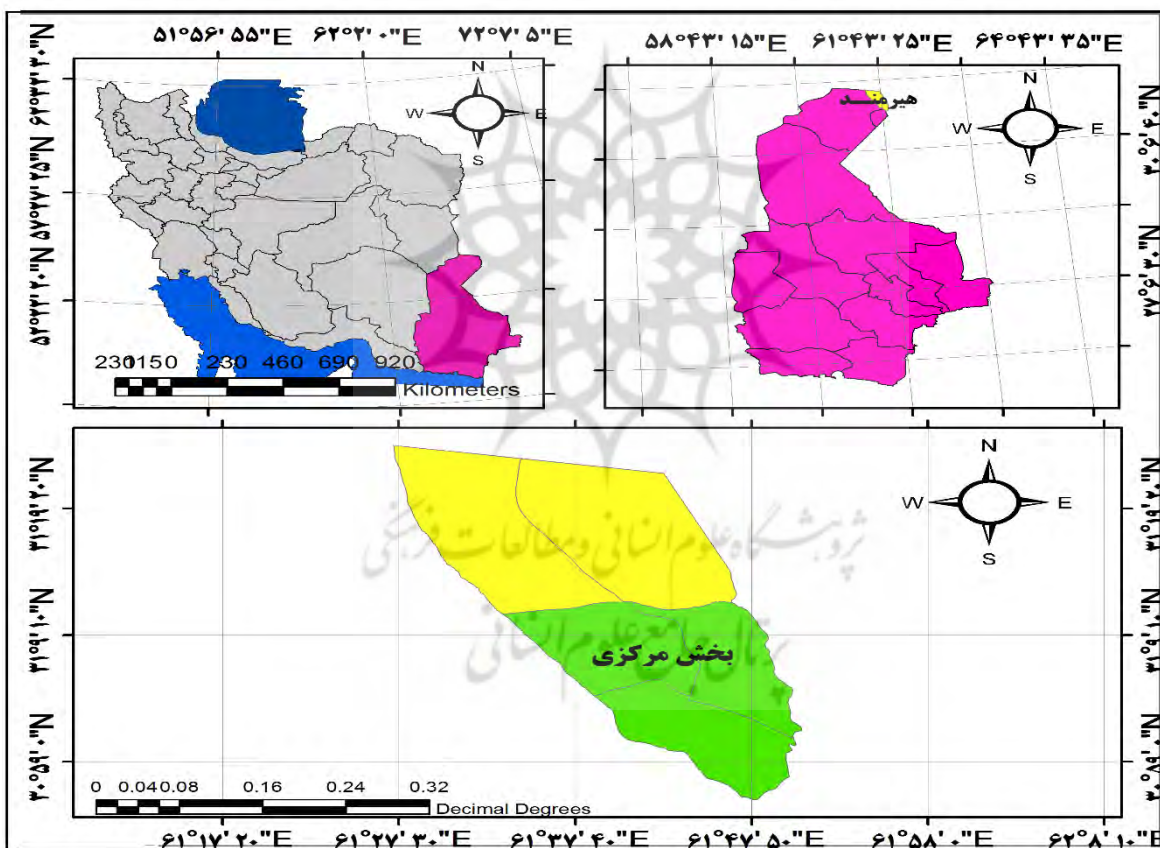
شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

روش تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از حیث ماهیت و روش انجام کار توصیفی-تحلیلی است. که به دو روش مطالعه کتابخانه ای و میدانی انجام شده است. در روش میدانی برای جمع آوری اطلاعات مورد نظر از مصاحبه برای بدست آوردن اطلاعات مورد نیاز استفاده شد. در روش کتابخانه ای برای جمع آوری اطلاعات مربوط به مبانی نظری و پیشینه بصورت کتابخانه ای و اسنادی و مطالعات خارجی و داخلی بوده است. همچنین جمع آوری اطلاعات بوسیله مصاحبه انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل سه گروه پشتیبان ها، شاغلین و فعالان اقتصادی در حوزه فعالیت های اقتصادی پنجگانه است که از میان آن ها تعداد ۳۳ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده است. روش نمونه گیری در این پژوهش به صورت تمام شماری بوده است. برای تجزیه و تحلیل داده ها و اطلاعات بدست آمده از تحلیل های کمی و کیفی استفاده شد که برای تجزیه و تحلیل داده ها و اطلاعات از روش های آماری (توصیفی و استنباطی) و با بهره گیری از مدل هفت سرمایه و مدل رادار استفاده شده است.

معرفی منطقه

شهرستان هیرمند در شمال استان سیستان و بلوچستان و از توابع منطقه سیستان است. این شهرستان ۳۰ درجه و ۷ دقیقه الی ۳۱ درجه و ۲۹ دقیقه عرض شمالی و ۵۹ درجه و ۵۸ دقیقه الی ۶۱ درجه و ۵۰ دقیقه طول شرقی واقع شده است. محدوده مورد مطالعه، از شرق و شمال با کشور افغانستان و از جنوب و غرب به ترتیب با شهرستان های زهک و زابل همجوار می باشد. هیرمند دارای دو بخش، ۵ دهستان و ۳۰۳ آبادی است که بر طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، دارای ۱۶۵۵۹ خانوار و ۶۳۹۷۹ نفر جمعیت و وسعتی معادل ۱۱۰۰ کیلومتر مربع بوده است (مرکزآمار ایران، ۱۳۹۵). بررسی چگونگی پراکنش آبادی ها در سطح شهرستان هیرمند گویای این است که پراکنش آن ها دارتی توزیع یکنواختی نبوده و به طور کلی قسمت شمال غربی بخش قرقری شهرستان هیرمند به واسطه وجود تالاب بین المللی هامون فاقد سکونتگاه های روستایی است. در این راستا از میان دهستان های این شهرستان دهستان دوست محمد با ۹۲ آبادی دارای بیشترین آبادی در سطح شهرستان هیرمند است (نوری، ۱۳۹۴: ۴۰).



شکل ۲. موقعیت سیاسی بخش مرکزی شهرستان هیرمند در کشور و استان سیستان و بلوچستان

یافته‌های پژوهش

ویژگی های فردی و زمینه ای پاسخگویان

بررسی ویژگی‌های فردی و زمینه‌ای پاسخگویان نشان داد که بیشتر پاسخگویان با تعداد ۲۱ نفر برابر با ۵۴/۵ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. گروه سنی ۲۵ تا ۳۵ سال با ۱۸ درصد بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. از نظر تحصیلات حداکثر درصد فراوانی در گروه دیپلم با ۳۳/۳ درصد قرار دارد. حداکثر درصد فراوانی گروه‌های شغلی پاسخگویان مربوط به دامداران با ۲۸ درصد است. حداکثر درآمد مربوط به گروه درآمدی ۱ تا ۱/۵ میلیون تومان با ۳۹/۳ درصد است.

جدول ۱. توزیع فراوانی جمعیت مورد مطالعه یا جمعیت هدف

مشخصات پاسخ دهنده	بیشترین فراوانی	تعداد پاسخگو	درصد
سن	۲۵ تا ۳۵ سال	۱۸	۵۴/۵
تحصیلات	دیپلم	۱۱	۳۳/۳
جنسیت	مرد	۲۱	۹۳/۹
میزان درآمد	۱ تا ۱/۵ میلیون تومان	۱۳	۳۹/۳

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

بررسی عوامل زیرساختی و نهادی مشاغل زنجیره‌ای و تعاونی در روستاهای بخش مرکزی هیرمند

برای بررسی عوامل مختلف تحقق توسعه پایدار مشاغل زنجیره‌ای و تعاونی در روستاهای بخش مرکزی هیرمند از مدل هفت سرمایه استفاده می‌کنیم. این آزمون قادر است عوامل تحقق توسعه پایدار مشاغل زنجیره‌ای و تعاونی را به ترتیب اولویت به ما نشان دهد. طبق مدل هفت سرمایه؛ سرمایه اجتماعی یعنی توانمندی اجتماعی روستائیان از نظر مؤلفه‌هایی چون مشارکت مردم در جامعه همچون مشارکت مسئولین محلی، دهیار و شورا در امور اجتماع به ویژه کارآفرینی، و آگاهی مردم از منافع جمعی و منافع کارآفرینی مد نظر است. سرمایه انسانی شامل آموزش، تجربه کاری، مهارت‌ها و تخصص‌هایی که در طی زمان احراز شده است و همچنین شامل خودآگاهی، عزت نفس و شخصیتی که افراد برای تبدیل دانش خود به عمل نیاز دارند شاخص‌های فضایی - مکانی شامل اندازه جمعیتی، فاصله، موقعیت نسبی و مطلق و کیفیت راه ارتباطی است. سرمایه زیرساختی از این جهت ارزشمند است که بستر الزام را برای دسترسی به منابع مالی، انسانی، دانشی، فناوری، انرژی، ساختاری و مدیریتی تأمین میکند. سرمایه طبیعی بر انواع منابع فیزیکی و پتانسیل‌های بستر جغرافیایی تأکید دارد. سرمایه مالی بر دارایی منقول و غیرمنقول و کالایی صدق میکند که قابل تبدیل به شغل جدید باشد و یا بتوان با ایجاد زنجیره‌های پیشین و پسین برای آن؛ زمینه اشتغال جدیدی ایجاد نمود. درعین حال سرمایه نهادی در واقع دربرگیرنده فرصت‌های قانونی - سندی و سازمانی محرک اشتغال است. از این رو سرمایه نهادی بر دو عامل مستندات نهادی و عملکرد سازمانی تأکید دارد. مانند نقش نهادها در ایجاد مزیت رقابتی ملی یا منطقه‌ای، تأثیر گذاشتن بر عوامل

تعیین کننده از طریق؛ یارانه‌ها، سیاست‌های آموزش، سیاستهای بازارهای سرمایه، ایجاد استانداردها و مقررات محلی. لذا برای هریک از مشاغل عام المنفعه مورد مطالعه مدل هفت سرمایه ترسیم می شود:

مدل هفت سرمایه برای سنجش عوامل موثر بر تحقق مشاغل زنجیره‌ای و تعاونی در قالب گوساله پراوری

طبق نتایج مدل ۷ سرمایه بر طبق مطالعات میدانی نتیجه گرفتیم:

تاثیر سرمایه انسانی بر تحقق توسعه پایدار شغل گوساله پراوری به دلیل لزوم نیروی کار فعال و بارزاده در روستاهای مورد مطالعه، لزوم برخورداری بعضی متقاضیان از آموزش‌های رسمی و مهارت‌های فنی و نیاز به آموزش در زمینه ایجاد مشاغل پایدار زنجیره‌ای و تعاونی با تاثیر متوسط می باشد. (۱،۵)

تاثیر سرمایه اجتماعی بر تحقق توسعه پایدار شغل گوساله پراوری، به دلیل لزوم اعتماد و همکاری فعالان طرح با ادارات دولتی و غیردولتی مسئول روستا و همچنین لزوم حمایت دستگاه‌های مسئول از تشکل‌های مردمی، تعاونی‌های تولید و طرح‌های تولیدی بزرگ و گروهی. با تاثیر نسبتا متوسط می باشد. (۱،۳)

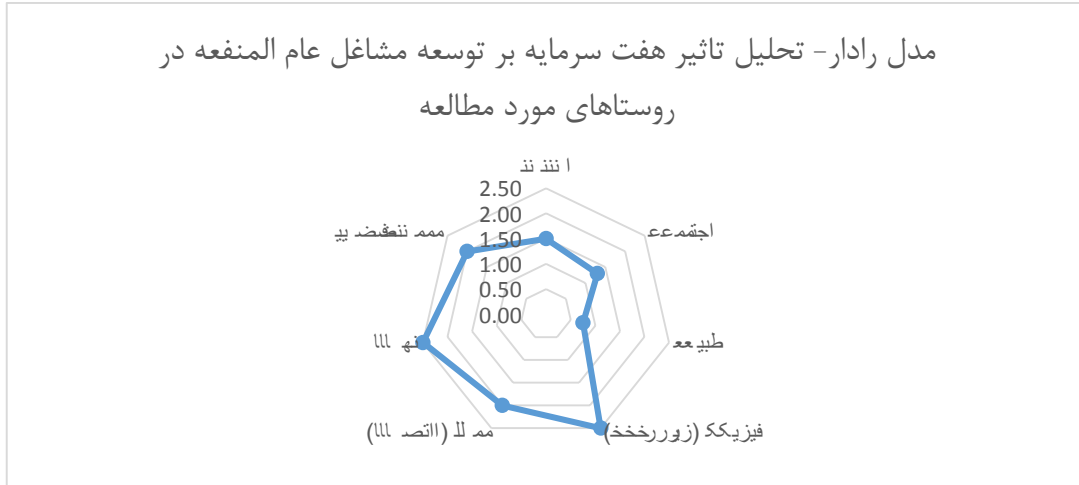
تاثیر سرمایه طبیعی بر تحقق توسعه پایدار شغل گوساله پراوری، به دلیل خشکسالی‌های طولانی، طوفان‌های ۱۲۰ روزه و تاثیر بر کاهش منابع آب و خاک در منطقه مورد مطالعه نسبتا ضعیف می باشد. (۱)

تاثیر سرمایه اقتصادی بر تحقق توسعه پایدار شغل گوساله پراوری به دلیل بهبود اوضاع مالی متقاضیان طرح‌های اشتغال‌زایی و فراهم آوری تدارک خط اعتباری مورد نیازی توسط پشتیبان‌های طرح‌های اشتغال‌زایی در منطقه زیاد می باشد. (۲)

تاثیر سرمایه زیرساختی بر تحقق توسعه پایدار شغل گوساله پراوری به دلیل لزوم برخورداری روستاها از آب لوله کشی، وجود زمین برای ایجاد و توسعه مشاغل، لزوم بهبود کیفیت جاده‌های روستا، لزوم بهبود آنتن دهی تلفن و اینترنت در روستاها که در صورت ضعیف بودن اطلاعات علمی و بازاریابی متقاضیان را محدود می کند، لزوم ایجاد زنجیره‌های پیشین و پسین هر یک از مشاغل، بسیار زیاد می باشد. (۲،۵)

تاثیر سرمایه نهادی بر تحقق توسعه پایدار شغل گوساله پراوری به دلیل لزوم تامین مالی طرح‌ها با تسهیلات قرض الحسنه و ساده‌ترین ضمانت‌ها، لزوم به کارگیری تسهیلات اجتماعی - اقتصادی برای انجام امورات توجیه‌سازی، اهلیت سنجی، امور بانکی و اجرای طرح‌ها، لزوم همکاری سازمان‌های محلی من جمله معتمدین، شوراها و دهیار روستاها برای توسعه فعالیت‌های اشتغال‌گروهی و زنجیره‌ای، نیاز به نظارت سازمان‌های مسئول بر حسن انجام طرح‌ها، لزوم برخورداری طرح‌ها از مشاوره علمی توسط مشاور تخصصی، لزوم وجود شرکت پشتیبان برای تمامی مراحل اجرای مشاغل زنجیره‌ای و تعاونی بسیار زیاد می باشد. (۲،۵)

تاثیر سرمایه فضایی - مکانی بر تحقق توسعه پایدار شغل گوساله پراوری به دلیل مجاورت استان با کشور پاکستان و افغانستان و امکان صادرات محصولات ناشی از مشاغل زنجیره‌ای و تعاونی، و لزوم از بین بردن انزوای جغرافیایی استان، زیاد می باشد (۲)



شکل ۳. دیاگرام ترسیم مدل رادار برای تعیین میزان تاثیر هفت سرمایه بر توسعه شغل گوساله پروری

مدل هفت سرمایه برای سنجش عوامل موثر بر تحقق مشاغل زنجیره‌ای و تعاونی در قالب پرورش شترمرغ

طبق نتایج مدل ۷ سرمایه بر طبق مطالعات میدانی نتیجه گرفتیم:

تاثیر سرمایه انسانی بر تحقق توسعه پایدار پرورش شترمرغ به دلیل لزوم نیروی کار فعال و باراده در روستاهای مورد مطالعه، لزوم برخورداری بعضی متقاضیان از آموزش‌های رسمی و مهارت‌های فنی و نیاز به آموزش در زمینه ایجاد مشاغل پایدار عام المنفعه با تاثیر متوسط می باشد. (۱,۵)

تاثیر سرمایه اجتماعی بر تحقق توسعه پایدار پرورش شترمرغ، به دلیل لزوم وجود پشتیبان و مشاور فنی در امور مربوط به زنجیره پرورش شترمرغ (تامین نهاده‌های غذایی و دارویی، مراقبت دام، و کشتار و بسته بندی و عرضه گوشت) و حمایت نرم افزاری و سخت افزاری از تشکل‌های مردمی، تعاونی‌های تولید و طرح‌های تولیدی بزرگ و گروهی از سوی دستگاه‌های مسئول با تاثیر متوسط می باشد. (۱,۵)

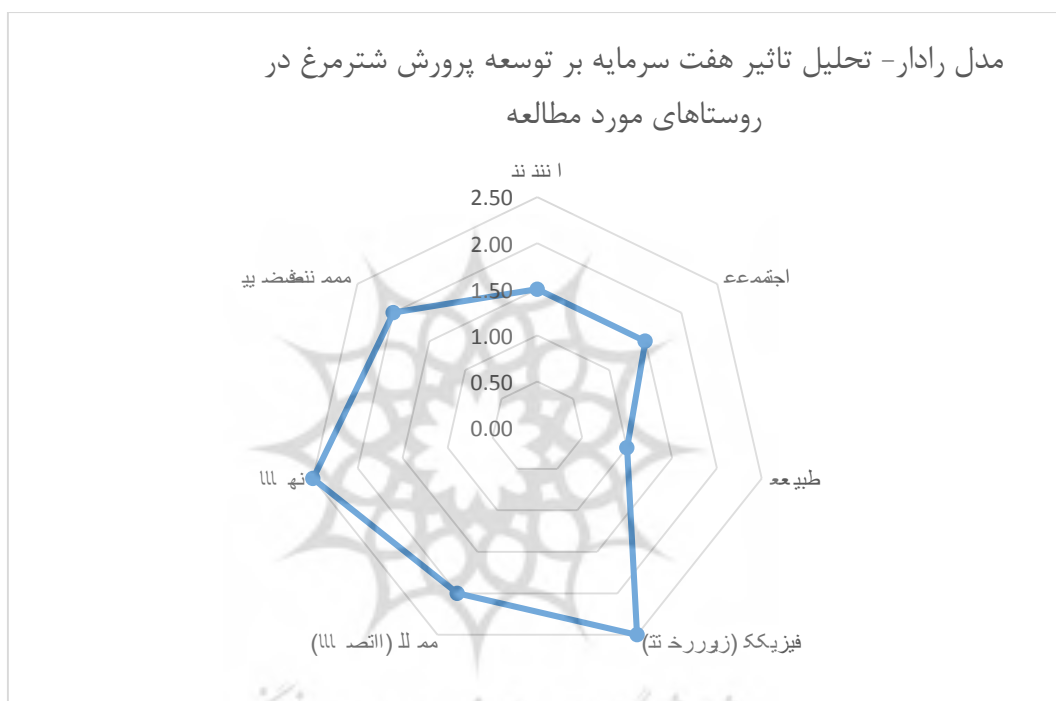
تاثیر سرمایه طبیعی بر تحقق توسعه پایدار پرورش شترمرغ، به دلیل خشکسالی‌های طولانی تاثیر بر کاهش منابع آب و خاک و علوفه و کاهش بهداشت و پاک‌ی هوا، طوفان‌های ۱۲۰ روزه و احتمال بروز بیماری دامی و گرمای شدید در ایام تابستان و تاثیر بر کاهش گوشت‌گیری دام نسبتاً ضعیف می باشد. (۱)

تاثیر سرمایه اقتصادی بر تحقق توسعه پایدار پرورش شترمرغ به دلیل مناسب بودن سود حاصل از پرورش شترمرغ، لزوم سهل گرفتن تسهیلات قرض الحسنه و وجود خرید تضمینی شترمرغ زیاد می باشد (۲).

تاثیر سرمایه زیرساختی بر تحقق توسعه پایدار پرورش شترمرغ به دلیل لزوم برخورداری روستاها از آب لوله کشی، وجود زمین برای ایجاد و توسعه مشاغل، لزوم بهبود کیفیت جاده‌های روستا، لزوم بهبود آنتن دهی تلفن و اینترنت در روستاها که در صورت ضعیف بودن اطلاعات علمی و بازاریابی متقاضیان را محدود می کند، لزوم ایجاد زنجیره‌های پیشین و پسین هر یک از مشاغل، بسیار زیاد می باشد. (۲,۵).

تاثیر سرمایه نهادی بر تحقق توسعه پایدار پرورش شترمرغ به دلیل لزوم تامین مالی طرح ها با تسهیلات قرض الحسنه و ساده ترین ضمانت ها، لزوم به کارگیری تسهیلات اجتماعی - اقتصادی برای انجام امورات توجیه سازی، اهلیت سنجی، امور بانکی و اجرای طرح ها، لزوم همکاری سازمان های محلی من جمله معتمدین، شوراهای و دهیار روستاها برای توسعه فعالیت های اشتغال گروهی و زنجیره ای، نیاز به نظارت سازمان های مسئول بر حسن انجام طرح ها، لزوم برخورداری طرح ها از مشاوره علمی توسط مشاور تخصصی، لزوم وجود شرکت پشتیبان برای تمامی مراحل اجرای مشاغل عام المنفعه بسیار زیاد می باشد (۲,۵).

تاثیر سرمایه فضایی - مکانی بر تحقق توسعه پایدار پرورش شترمرغ به دلیل مجاورت استان با کشور پاکستان و افغانستان و امکان صادرات محصولات ناشی از مشاغل عام المنفعه، و لزوم از بین بردن انزوای جغرافیایی استان، زیاد می باشد (۲)



شکل ۴. دیاگرام ترسیم مدل رادار برای تعیین میزان تاثیر هفت سرمایه بر توسعه پرورش شترمرغ

مدل هفت سرمایه برای سنجش عوامل موثر بر تحقق مشاغل زنجیره‌ای و تعاونی در قالب مجتمع گلخانه ای

طبق نتایج مدل ۷ سرمایه بر طبق مطالعات میدانی نتیجه گرفتیم:

تاثیر سرمایه انسانی بر تحقق توسعه پایدار مجتمع گلخانه ای به دلیل لزوم نیروی کار فعال و بارزاده در روستاهای مورد مطالعه، لزوم برگزاری کلاس ها و دوره های آموزشی برای متقاضیان اجرای طرح و تقویت مهارت ها در فرآیند اجرای طرح لزوم برخورداری بعضی متقاضیان از آموزش های رسمی و مهارت های فنی و نیاز به آموزش در زمینه ایجاد مشاغل پایدار زنجیره‌ای و تعاونی با تاثیر متوسط می باشد. (۱,۵)

تاثیر سرمایه اجتماعی بر تحقق توسعه پایدار مجتمع گلخانه ای، به دلیل لزوم همکاری و همیاری فعالان طرح های مجتمع گلخانه ای با هم در احداث گلخانه و کاشت محصولات (سرمایه اجتماعی) اعتماد و همکاری فعالان طرح با ادارات دولتی و غیردولتی

مسئول روستا و همچنین لزوم حمایت دستگاه‌های مسئول از تشکل‌های مردمی، تعاونی‌های تولید و طرح‌های تولیدی بزرگ و گروهی. با تاثیر متوسط می باشد. (۱,۵)

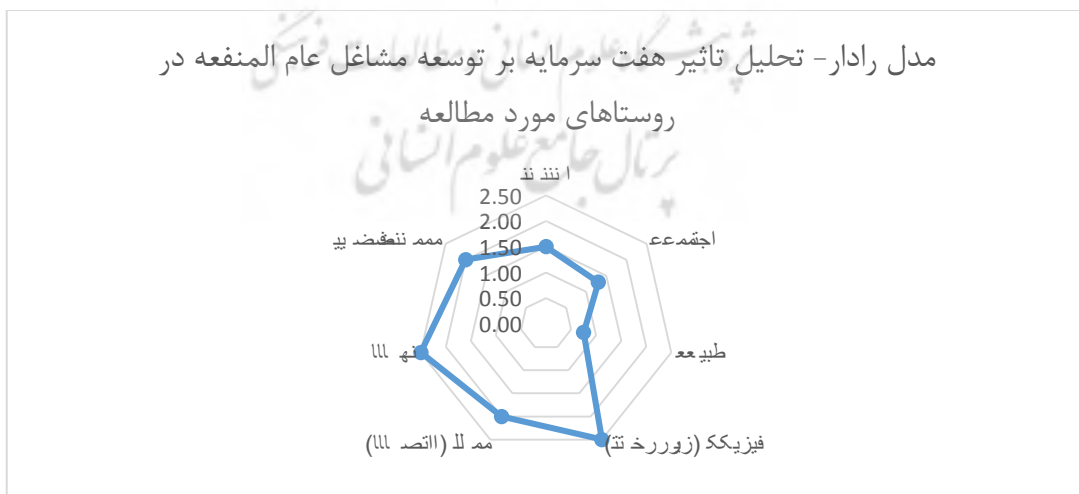
تاثیر سرمایه طبیعی بر تحقق توسعه پایدار مجتمع گلخانه ای، به دلیل خشکسالی های طولانی و تاثیر بر کاهش منابع آب و خاک و طوفان‌های ۱۲۰ روزه و احتمال آسیب به تجهیزات گلخانه و محصولات آن ضعیف می باشد. (۱)

تاثیر سرمایه اقتصادی بر تحقق توسعه پایدار مجتمع گلخانه ای به دلیل بهبود اوضاع مالی متقاضیان طرح های اشتغال زایی و فراهم آوری تدارک خط اعتباری مورد نیازی توسط پشتیبان های طرح های اشتغال زایی در منطقه زیاد می باشد (۲).

تاثیر سرمایه زیرساختی بر تحقق توسعه پایدار مجتمع گلخانه ای به دلیل لزوم برخورداری روستاها از آب لوله کشی، وجود زمین برای ایجاد و توسعه مشاغل، لزوم بهبود کیفیت جاده های روستا، لزوم بهبود آنتن دهی تلفن و اینترنت در روستاها که در صورت ضعیف بودن اطلاعات علمی و بازاریابی متقاضیان را محدود می کند، لزوم ایجاد زنجیره های پیشین و پسین هر یک از مشاغل، بسیار زیاد می باشد. (۲,۵).

تاثیر سرمایه نهادی بر تحقق توسعه پایدار مجتمع گلخانه ای به دلیل لزوم تامین مالی طرح ها با تسهیلات قرض الحسنه و ساده ترین ضمانت ها، لزوم به کارگیری تسهیلات اجتماعی - اقتصادی برای انجام امورات توجیه سازی، اهلیت سنجی، امور بانکی و اجرای طرح ها، لزوم همکاری سازمان های محلی من جمله معتمدین، شوراها و دهیار روستاها برای توسعه فعالیت های اشتغال گروهی و زنجیره ای، نیاز به نظارت سازمان های مسئول بر حسن انجام طرح ها، لزوم برخورداری طرح ها از مشاوره علمی توسط مشاور تخصصی، لزوم وجود شرکت پشتیبان برای تمامی مراحل اجرای مشاغل زنجیره ای و تعاونی بسیار زیاد می باشد (۲,۵).

تاثیر سرمایه فضایی - مکانی بر تحقق توسعه پایدار مجتمع گلخانه ای به دلیل مجاورت استان با کشور پاکستان و افغانستان و امکان صادرات محصولات ناشی از مشاغل زنجیره ای و تعاونی، و لزوم از بین بردن انزوای جغرافیایی استان، زیاد می باشد (۲)



شکل ۵. دیاگرام ترسیم مدل رادار برای تعیین میزان تاثیر هفت سرمایه بر توسعه مجتمع گلخانه ای

۵ مدل هفت سرمایه برای سنجش عوامل موثر بر تحقق مشاغل زنجیره‌ای و تعاونی در قالب سوزن دوزی

طبق نتایج مدل ۷ سرمایه بر طبق مطالعات میدانی نتیجه گرفتیم:

تأثیر سرمایه انسانی بر تحقق توسعه پایدار سوزن دوزی به دلیل پیشینه این شغل در بین زنان بلوچ و سیستانی بالا می باشد. (۲)

تأثیر سرمایه اجتماعی بر تحقق توسعه پایدار سوزن دوزی، به دلیل لزوم اعتماد و همکاری فعالان طرح با ادارات دولتی و غیردولتی مسئول روستا و همچنین لزوم حمایت دستگاه‌های مسئول از تشکل‌های مردمی، تعاونی‌های تولید و طرح‌های تولیدی بزرگ و گروهی. با تأثیر متوسط می باشد. (۱،۵)

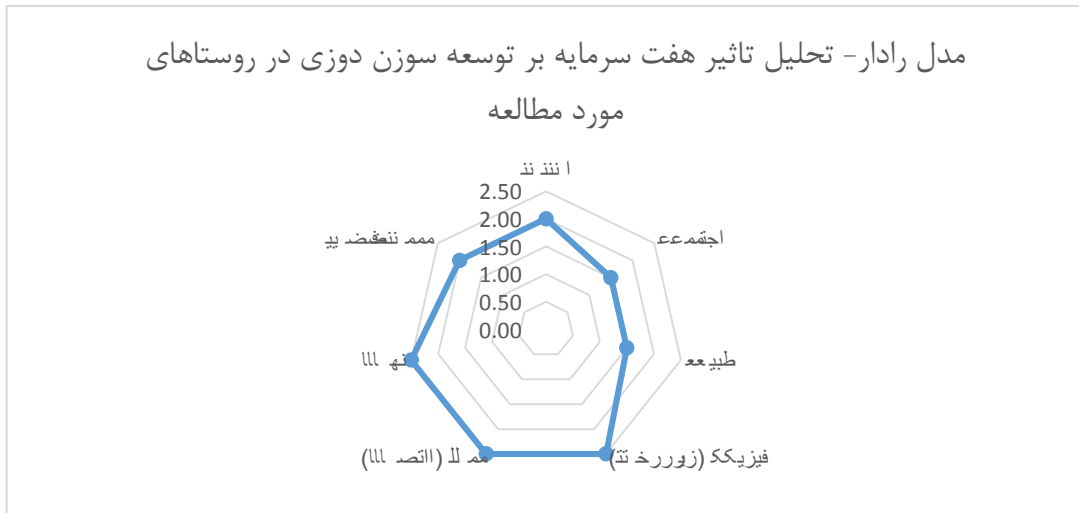
تأثیر سرمایه طبیعی بر تحقق توسعه پایدار سوزن دوزی به دلیل اینکه کمبود یا ضعف منابع طبیعی (آب و خاک و معادن) باعث افزایش تمایل مردم محلی به مشاغل غیرکشاورزی من جمله صنایع دستی (سوزن دوزی و ...) می شود، متوسط می باشد. (۱،۵)

تأثیر سرمایه اقتصادی بر تحقق توسعه پایدار سوزن دوزی به دلیل لزوم کاهش هزینه بالای راه اندازی کارگاه و لزوم کاهش هزینه بالای تهیه مواد اولیه و فراهم آوری تدارک خط اعتباری مورد نیازی توسط پشتیبان‌های طرح‌های اشتغال‌زایی در منطقه بسیار زیاد می باشد. (۲،۵).

تأثیر سرمایه زیرساختی بر تحقق توسعه پایدار سوزن دوزی به دلیل لزوم برخورداری روستاها از آب لوله کشی، وجود زمین برای ایجاد و توسعه مشاغل، لزوم ایجاد کارگاه‌های تولید مواد سوزن دوزی لزوم بهبود کیفیت جاده‌های روستا، لزوم نیاز به کارگاه‌های سوزن دوزی و لزوم ایجاد زنجیره‌های پیشین و پسین هر یک از مشاغل، بسیار زیاد می باشد. (۲،۵).

تأثیر سرمایه نهادی بر تحقق توسعه پایدار سوزن دوزی به دلیل لزوم تامین مالی طرح‌ها با تسهیلات قرض الحسنه و ساده‌ترین ضمانت‌ها، لزوم به کارگیری تسهیلاتگران اجتماعی - اقتصادی برای انجام امورات توجیه‌سازی، اهلیت‌سنجی، امور بانکی و اجرای طرح‌ها، لزوم همکاری سازمان‌های محلی من جمله معتمدین، شوراها و دهیار روستاها برای توسعه فعالیت‌های اشتغال‌گروهی و زنجیره‌ای، نیاز به نظارت سازمان‌های مسئول بر حسن انجام طرح‌ها، لزوم برخورداری طرح‌ها از مشاوره علمی توسط مشاور تخصصی، لزوم وجود شرکت پشتیبان برای تمامی مراحل اجرای مشاغل زنجیره‌ای و تعاونی بسیار زیاد می باشد. (۲،۵).

تأثیر سرمایه فضایی - مکانی بر تحقق توسعه پایدار سوزن دوزی به دلیل مجاورت استان با کشور پاکستان و افغانستان و امکان صادرات محصولات ناشی از مشاغل زنجیره‌ای و تعاونی، و لزوم از بین بردن انزوای جغرافیایی استان، زیاد می باشد (۲)



شکل ۶. دیاگرام ترسیم مدل رادار برای تعیین میزان تاثیر هفت سرمایه بر توسعه سوزن دوزی

مدل هفت سرمایه برای سنجش عوامل موثر بر تحقق مشاغل زنجیره‌ای و تعاونی در قالب حصیربافی

طبق نتایج مدل ۷ سرمایه بر طبق مطالعات میدانی نتیجه گرفتیم:

تاثیر سرمایه انسانی بر تحقق توسعه پایدار حصیربافی به دلیل پیشینه این شغل در بین مردم سیستان نیروی کار فعال و بارزاده در روستاهای مورد مطالعه، لزوم برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی برای متقاضیان اجرای طرح و تقویت مهارت‌ها در فرآیند اجرای طرح در زمینه ایجاد مشاغل پایدار عام المنفعه با تاثیر متوسط می‌باشد. (۱،۵)

تاثیر سرمایه اجتماعی بر تحقق توسعه پایدار حصیربافی، به دلیل لزوم اعتماد و همکاری فعالان طرح با ادارات دولتی و غیردولتی مسئول روستا و همچنین لزوم حمایت دستگاه‌های مسئول از تشکل‌های مردمی، تعاونی‌های تولید و طرح‌های تولیدی بزرگ و گروهی با تاثیر نسبتاً متوسط می‌باشد. (۱،۳)

تاثیر سرمایه طبیعی بر تحقق توسعه پایدار حصیربافی، خشکسالی‌های طولانی و تاثیر بر کاهش نزارها و آفتاب شدید باعث پوسیدگی محصولات می‌شود و به دلیل شدت و ماندگاری زیاد؛ طوفان‌های ۱۲۰ روزه باعث تعطیلی کار حصیربافان از خرداد ماه تا شهریور منطقه مورد مطالعه نسبتاً ضعیف می‌باشد. (۱)

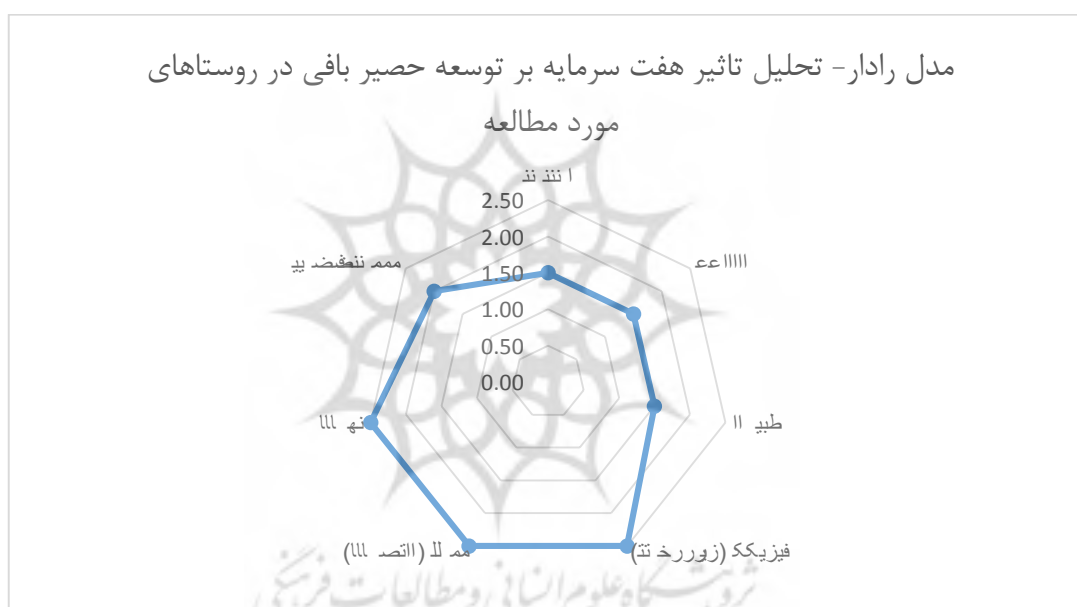
تاثیر سرمایه اقتصادی بر تحقق توسعه پایدار حصیربافی به دلیل لزوم کاهش هزینه بالای راه اندازی کارگاه و لزوم کاهش هزینه بالای تهیه مواد اولیه و فراهم آوری تدارک خط اعتباری مورد نیازی توسط پشتیبان‌های طرح‌های اشتغال‌زایی در منطقه بسیار زیاد می‌باشد (۲،۵).

تاثیر سرمایه زیرساختی بر تحقق توسعه پایدار حصیربافی به دلیل لزوم برخورداری روستاها از آب لوله‌کشی، وجود زمین برای ایجاد و توسعه مشاغل، لزوم بهبود کیفیت جاده‌های روستا، لزوم نیاز به کارگاه‌های حصیربافی (به دلیل نبود کارگاه؛ در فصول

گرم سال این نوع فعالیت ها تعطیل می شود و لزوم ایجاد زنجیره های پیشین و پسین هر یک از مشاغل، بسیار زیاد می باشد. (۲,۵).

تاثیر سرمایه نهادی بر تحقق توسعه پایدار حصیربافی به دلیل لزوم تامین مالی طرح ها با تسهیلات قرض الحسنه و ساده ترین ضمانت ها، لزوم به کارگیری تسهیلات اجتماعی- اقتصادی برای انجام امورات توجیه سازی، اهلیت سنجی، امور بانکی و اجرای طرح ها، لزوم همکاری سازمان های محلی من جمله معتمدین، شوراها و دهیار روستاها برای توسعه فعالیت های اشتغال گروهی و زنجیره ای، نیاز به نظارت سازمان های مسئول بر حسن انجام طرح ها، لزوم برخورداری طرح ها از مشاوره علمی توسط مشاور تخصصی، لزوم وجود شرکت پشتیبان برای تمامی مراحل اجرای مشاغل زنجیره ای و تعاونی بسیار زیاد می باشد (۲,۵).

تاثیر سرمایه فضایی - مکانی بر تحقق توسعه پایدار حصیربافی به دلیل مجاورت استان با کشور پاکستان و افغانستان و امکان صادرات محصولات ناشی از مشاغل زنجیره ای و تعاونی، و لزوم از بین بردن انزوای جغرافیایی استان، زیاد می باشد (۲)



شکل ۷. دیاگرام ترسیم مدل رادار برای تعیین میزان تاثیر هفت سرمایه بر توسعه حصیربافی

همانطور که از مدل هفت سرمایه برای مشاغل زنجیره ای و تعاونی مورد مطالعه مشخص می باشد، سرمایه زیرساختی و سرمایه نهادی با به دست آوردن امتیاز بالاتر نسبت به سایر سرمایه های مورد مطالعه، بیشترین تاثیر را در توسعه مشاغل زنجیره ای و تعاونی در منطقه مورد مطالعه دارند. بنابراین فرضیه اول این پژوهش تایید می شود.

بررسی راهبرد اشتغال خرد در قالب تعاونی ها و کارگاه های مبتنی بر ظرفیت های انسانی و منابع پایه موثرترین راهکار ایجاد اشتغال پایدار در بخش مرکزی شهرستان هیرمند است.

مطابق با آنچه گفته شد، زنجیره شغلی گوساله پرآوری می تواند با ایجاد شغل هایی همچون مشاغل مرتبط با تولید گوساله در محل و یا واردات و فروش گوساله پروراری، مشاغل مرتبط با ساخت سازه های جایگاه نگه داری گوساله پروراری، مشاغل مرتبط با

کشت علوفه (روش صنعتی - و سنتی)، مشاغل مرتبط با عرضه و فروش علوفه، مشاغل مرتبط با درمان و مراقبت گوساله در طول دوره پرورش، مشاغل مرتبط با بیمه گوساله، مشاغل مرتبط با کشتار انفرادی و یا خرد گوساله (قصابی) و بسته بندی، مشاغل مرتبط با فروش مستقیم و غیر مستقیم فرآورده های حاصل از دام (پوست و چرم، فرآورده های غذایی و ...)، مشاغل مرتبط با کشتار وسیع گوساله پرواری، مشاغل مرتبط با فراوری و بسته بندی محصولات غیرشیری جهت بازارهای غیرمحملی (داخلی، خارجی)، مشاغل مرتبط با سردخانه های نگهداری گوشت و فرآورده های گوشتی، مشاغل مرتبط با تولید ظروف نگهداری و بسته بندی محصولات فراوری شده به طور میانگین می تواند به طر میانگین ۴۰ شغل در منطقه مورد مطالعه ایجاد کند. همچنین زنجیره شغلی پرورش شتر مرغ با ایجاد مشاغلی همچون انبار خرید و فروش دانه مرغی و فروش دارو، تولید جوجه یک روزه جهت فروش، خرده فروشی جوجه، حمل و نقل طیور و دان و غذای طیور، مشاغل مرتبط با نگه داری و تغذیه طیور، مشاغل مرتبط با ساخت سازه های جایگاه پرورش مرغ، پرورش مرغ در واحدهای کوچک و خانگی، مشاغل مرتبط با فروش و عرضه دان و غذاهای مرغی، مشاغل مرتبط با کشت دان و غذای مرغ، مشاغل مرتبط با درمان و مراقبت طیور در طول دوره پرورش، مشاغل مرتبط با تولید کود مرغی، فراوری کود و غنی سازی و بسته بندی، مشاغل مرتبط با خرده فروشی مرغ، تخم مرغ و کود مرغی و ایجاد سالن پرورش شتر مرغ (تولید در مقیاس بزرگ) می تواند به طور میانگین باعث ایجاد ۳۰ شغل در منطقه مورد مطالعه شود. زنجیره شغلی مجتمع گلخانه ای با ایجاد شغل هایی همچون مشاغل مرتبط با فروش تجهیزات آبیاری و آماده سازی بستر کشت (خرده فروشی)، مشاغل مرتبط با تکثیر، و تولید نهال در مقیاس خرد، مشاغل مرتبط با فروش نهاده های مصرفی (کود، سموم، محلول پاشی و ...)، کاشت و نگه داری محصول در گلخانه کوچک مقیاس تا بزرگ مقیاس (کاشت، وجین و هرس، آبیاری، کوددهی و پاکسازی، اصلاح و تقویت زمین، کود و محلول و سم پاشی و ...)، مشاغل مرتبط با برداشت، کارگاه ساخت سازه های گلخانه ای و مزارع سرپوشیده کارگاه تولید ابزار و دستگاه های مصرفی مورد نیاز از مرحله کاشت تا برداشت (کارخانه تولید تجهیزات آبیاری و کشت، دستگاه های وجین، کوددهی و سم پاشی، سبد و جعبه بسته بندی، دستگاه های فراوری و تبدیل به صنایع تبدیلی) توانایی ایجاد ۲۰ شغل در منطقه را دارد. همچنین لازم به ذکر است زنجیره های شغلی حصیر بافی و سوزن دوزی هر کدام با ایجاد شغل های همچون ایجاد آموزشگاه، طراحی مدل های به روز و بازار پسند، فروشگاه عرضه مواد اولیه، ساخت ادوات مورد نیاز، دوخت انواع محصولات؛ می توانند به طور میانگین باعث ایجاد ۳۰ شغل در منطقه شوند. لازم به ذکر است که اگر برای هر کدام از زنجیره های فعالیت مورد مطالعه یک تعاونی ایجاد شود مشاغل زیاد و دارای استمرار در منطقه ایجاد خواهد شد که بعضی از آنها مانند مجتمع گلخانه ای و گوساله پرآوری و پرورش شتر مرغ وابستگی پایینی به آب و خاک خود منطقه دارند و بعضی مانند حصیر بافی و سوزن دوزی وابستگی به منابع آب و خاک در منطقه ندارند. با حمایت نهادهای مختلف برای تامین زنجیره های پیشین و پسین هر کدام از این فعالیت ها به ویژه ایجاد کارگاه ها و کارخانه های فراوری این محصولات می توان باعث ایجاد اشتغال پایدار در منطقه مورد مطالعه شد.

نتیجه گیری

با ترسیم زنجیره شغلی گوساله پرواری مشخص می شود که آموزش برای فعالیت در طرح گوساله پرواری هم از طریق بخش خصوصی و هم از طریق بخش دولتی انجام می شود. در بخش خصوصی مشاوره تخصصی به علاقمندان ورود به این طرح توسط آقای دکتر زابلی داده می شود و همچنین شرکت پشتیبان این طرح که بنیاد برکت بوده هم در این زمینه آموزش داده و هم اقدام

به تشکیل جلساتی با مشارکت فعالان طرح پرورش گوساله به منظور در اختیار گذاشتن تجربیات این افراد با یکدیگر می نماید. همچنین تسهیلات انجام طرح گوساله پروری توسط بنیاد برکت با مشارکت ۵۰ درصد بانک مهر ایران در اختیار علاقمندان به انجام طرح مذکور قرار می گیرد. تامین نهاده های علوفه ای هم توسط متقاضیان و هم توسط شرکت های پشتیبان صورت می گیرد. همچنین احداث جایگاه بهداشتی پرورش گوساله توسط مردم انجام و سپس باید به تایید شرکت پشتیبان و مشاور فنی طرح برسد. با توجه به محرک ها و موانع هفت سرمایه برای زنجیره شغلی گوساله پروری مشخص شد که محرک های سرمایه طبیعی اراضی وسیع و استعداد خاک منطقه برای کشت علوفه دامی، وجود چاهک های آب شیرین و ارزان بودن منابع آب و خاک در منطقه، می باشد و موانع سرمایه طبیعی خشکسالی های طولانی مدت و تاثیر بر کاهش منابع آب و خاک، طوفان های ۱۲۰ روزه سیستان و احتمال بروز بیماری های دامی، گرمای شدید و ... را نام برد. همچنین در بحث محرک های سرمایه نهادی می توان به تامین مالی طرح های گوساله پروری با تسهیلات قرض الحسنه و با ساده ترین ضمانت ها، و تامین به موقع منابع مالی، به کارگیری تسهیلات اجتماعی - اقتصادی برای انجام امورات توجیه سازی، اهلیت سنجی، امور بانکی و اجرای طرح ها، همکاری سازمان های محلی من جمله معتمدین، شوراها و دهیار روستاها برای توسعه فعالیت های اشتغال گروهی و زنجیره ای و ... نام برد. موانع سرمایه نهادی نیز عبارت از برخی انتظارات زیاد و دور از ذهن مردم از نهادها و عدم تلاش و ریسک پذیری خود اهالی، عدم یکپارچگی فعالیت برخی نهادهای دولتی به ویژه در زمینه اشتغالزایی، سخت گیری در مورد دادن مجوز دامداری و صرف وقت زیاد برای گرفتن مجوزهای لازم و ... می باشند.

با ترسیم زنجیره شغلی پرورش شترمرغ مشخص شد که آموزش برای فعالیت در طرح پرورش شترمرغ بیشتر تجربی و از طریق بخش خصوصی به ویژه مشاور طرح آقای سارانی انجام می شود و بخش دولتی در این زمینه فعالیت محدودی دارد. همچنین تسهیلات انجام طرح پرورش شترمرغ از طرق مختلف می شود. با توجه به محرک ها و موانع هفت سرمایه برای زنجیره شغلی پرورش شترمرغ از محرک های سرمایه طبیعی می توان به اراضی وسیع برای ساخت جایگاه پرورش شترمرغ و سازگاری با آب و هوای منطقه اشاره کرد و موانع سرمایه طبیعی خشکسالی های طولانی و تاثیر بر کاهش منابع آب و خاک و علوفه و کاهش بهداشت و پاکی هوا، طوفان های ۱۲۰ روزه و احتمال بروز بیماری دامی، گرمای شدید در ایام تابستان و تاثیر بر کاهش رشد شترمرغ و ... را نام برد. با ترسیم زنجیره شغلی مجتمع های گلخانه ای مشخص شد، آموزش برای فعالیت در طرح مجتمع های گلخانه ای بیشتر از طریق بخش دولتی انجام می شود و جهاد کشاورزی متولی این امر می باشد. همچنین تسهیلات انجام طرح پرورش شترمرغ از طرق مختلف می شود. تسهیلات اشتغالزایی دولتی (از طریق سامانه کارا) و تسهیلات در غالب طرح های اشتغال زا از بنیاد برکت (طرح سحاب) می باشد. تامین نهاده های مورد نیاز مانند آب، بذر اصلاح شده، انواع کود، خرید سم پاش و .. توسط خود متقاضیان انجام می شود.

با توجه به محرک ها و موانع هفت سرمایه برای زنجیره شغلی مجتمع گلخانه ای از محرک های سرمایه طبیعی می توان به نم پایین هوای منطقه که باعث کاهش بیماری های قارچی برای محصولات گلخانه مفید است اشاره کرد و از موانع سرمایه طبیعی می توان به خشکسالی های طولانی و تاثیر بر کاهش منابع آب و خاک، طوفان های ۱۲۰ روزه و احتمال آسیب به تجهیزات گلخانه و محصولات آن اشاره کرد. در بحث محرک های سرمایه نهادی می توان همکاری سازمان های محلی من جمله معتمدین، شوراها و دهیار روستاها برای توسعه فعالیت های اشتغال گروهی و زنجیره ای، نظارت سازمان های مسئول بر حسن انجام طرح

ها را نام برد. موانع سرمایه نهادی نیز عدم برخورداری طرح ها از مشاوره علمی توسط مشاور تخصصی، سخت گیری در مورد دادن مجوزهای لازم برای تاسیس مجتمع گلخانه ای، همکاری نکردن ادارات مربوطه برای بیمه کردن محصولات، عدم برخورداری طرح ها از مشاوره علمی توسط مشاور تخصصی و... می باشند. همچنین محرکهای سرمایه زیرساختی برای طرح مجتمع گلخانه ای عبارتند از برخوردار از زیرساخت های راه آسفالت و برخوردار از زیرساخت های چون مخابرات و برق می باشند. و موانع این سرمایه عبارت از نیاز به آسفالت معابر فرعی، بهبود کیفیت معابر اصلی روستا، نیاز به تامین آب برای آبیاری محصولات، نیاز به تهیه سم پاش برای محصولات، نیاز به کارگاه یا کارخانه های فرآوری محصولات گلخانه ای و عدم وجود تکنولوژی های مناسب می باشد.

با ترسیم زنجیره شغلی سوزن دوزی مشخص شد آموزش برای فعالیت در طرح سوزن دوزی از طرف بخش خصوصی مانند مشاوره تخصصی به علاقمندان ورود به این طرح توسط خانم سارانی (پشتیبان طرح) داده می شود. نکته قابل ذکر در اینجا این مسئله است که اکثر زنان روستایی این منطقه سوزن دوزی بلد می باشند و نیاز به آموزش تخصصی ندارند. با توجه به محرک ها و موانع هفت سرمایه برای زنجیره شغلی سوزن دوزی از محرک های سرمایه طبیعی می توان به محدودیت های اقلیمی (خشکی، طوفان و غبار) که باعث نگر داشتن مردم در خانه شده و به طور غیرمستقیم سبب اجبار به انجام فعالیت های خانگی در فضاهای سرپوشیده شده می شود و کمبود یا ضعف منابع طبیعی (آب و خاک و معادن) باعث افزایش تمایل مردم محلی به مشاغل غیرکشوری من جمله صنایع دستی (سوزن دوزی و ...) می شود اشاره کرد. در بحث محرک های سرمایه نهادی می توان تامین مالی طرح های سوزن دوزی با تسهیلات قرض الحسنه و با ساده ترین ضمانت ها، و تامین به موقع منابع مالی، به کارگیری تسهیلات اجتماعی - اقتصادی برای انجام امورات توجیه سازی، اهلیت سنجی، امور بانکی و اجرای طرح ها، همکاری سازمان های محلی من جمله معتمدین، شوراها و دهیار روستاها برای توسعه فعالیت های اشتغال گروهی و زنجیره ای، نظارت سازمان های مسئول بر حسن انجام طرح ها، برخورداری طرح ها از مشاوره علمی توسط مشاور تخصصی، تامین نهاده های مربوط توسط شرکت پشتیبان و بنیاد برکت را نام برد. موانع سرمایه نهادی نیز عدم یکپارچگی فعالیت برخی نهادهای دولتی به ویژه در زمینه اشتغالزایی، سخت گیری در مورد دادن مجوزهای لازم برای سوزن دوزی، صرف وقت زیاد برای گرفتن مجوزهای لازم و ... می باشند. با توجه به زنجیره شغلی حصیر بافی آموزش برای فعالیت در طرح حصیر بافی از طرف بخش خصوصی مانند مشاوره تخصصی به علاقمندان ورود به این طرح توسط آقای محمد صیادی (پشتیبان طرح) داده می شود. نکته قابل ذکر در اینجا این مسئله است که اکثر روستاییان این منطقه حصیر بافی بلد می باشند و نیاز به آموزش تخصصی ندارند. و همچنین شرکت پشتیبان این طرح اقدام به تشکیل جلساتی با مشارکت فعالان طرح حصیر بافی به منظور در اختیار گذاشتن تجربیات این افراد با یکدیگر می نماید. همچنین تسهیلات انجام طرح حصیر بافی توسط بنیاد برکت در اختیار علاقمندان به انجام طرح مذکور قرار می گیرد. تامین نهاده های مورد نیاز هم توسط متقاضیان صورت می گیرد. همچنین تامین مواد اولیه حصیر بافی توسط خود متقاضیان انجام می شود. قبل از بسته شدن مرز از افغانستان مواد اولیه تهیه می شد که برای متقاضیان بسیار مرقون به صرفه بود. در حال حاضر مواد اولیه آن (نی) از شمال وارد می شود که باعث افزایش چشمگیر هزینه ها شده است. به طوریکه یک کامیون نی چهار میلیون تومان هزینه دارد که این باعث کاهش بسیار شدید سود این شغل می شود.

با توجه محرک ها و موانع هفت سرمایه برای زنجیره شغلی حصیر بافی از محرک های سرمایه طبیعی می توان اراضی وسیع، در دسترس بودن مواد اولیه آن در طبیعت و سازگاری با آب و هوای منطقه و از موانع آن می توان به خشکسالی های طولانی و تاثیر بر کاهش نیازها اشاره کرد. در بحث محرک های سرمایه نهادی می توان - همکاری سازمان های محلی من جمله معتمدین، شوراهای دهیار روستاها برای توسعه فعالیت های اشتغال گروهی و زنجیره ای را نام برد. موانع سرمایه نهادی نیز عدم یکپارچگی فعالیت برخی نهادهای دولتی به ویژه در زمینه اشتغالزایی، عدم تامین مالی طرح های حصیربافی با تسهیلات قرض الحسنه، عدم به کارگیری تسهیلات اجتماعی - اقتصادی برای انجام امورات توجیه سازی، اهلیت سنتی، امور بانکی و اجرای طرح ها، عدم برخورداری طرح ها از مشاوره علمی توسط مشاور تخصصی و عدم پشتیبانی زنجیره پسین طرح توسط ارگان های متفاوت و ... می باشند. با توجه به به مدل هفت سرمایه (رادار) و کسب بیشترین امتیاز توسط سرمایه نهادی و سرم سرمایه زیرساختی و سرمایه نهادی، مشخص می شود که این دو سرمایه بیشترین تاثیر را در توسعه مشاغل عام المنفعه در منطقه مورد مطالعه دارند. بنابراین فرضیه اول این پژوهش تایید می شود. با توجه به زنجیره شغلی مشاغل زنجیره ای و تعاونی مورد مطالعه مشخص شد که می توان با ایجاد تعاونی و تامین زنجیره های پیشین و پسین برای هر کدام از مشاغل مورد مطالعه، باعث ایجاد اشتغال پایدار در منطقه مورد مطالعه شد.

منابع

- احمدی نژاد، سمیه، (۱۳۹۱)، تحلیلی بر شاخص های توسعه پایدار شهری در مناطق چهارده گانه شهر اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه جغرافیا، رشته برنامه ریزی شهری.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا، (۱۳۹۳)، جامعه شناسی توسعه، چاپ یازدهم، انتشارات کیهان، تهران.
- افراخته، حسن و توفیقیان اصل، سید امیر، (۱۳۹۵)، تحلیل مکانی - فضایی سطوح توسعه یافتگی دهستان های شهرستان بویراحمد، فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، جلد ۳، شماره ۲، صص ۲۱۴-۱۹۳.
- افراخته، حسن؛ ریاحی، وحید و جوان، فرهاد، (۱۳۹۴)، پایداری اقتصادی سکونتگاه های روستایی شهرستان رضوانشهر، مجله جغرافیا، دوره جدید، سال ۱۳، شماره ۴۶، صص ۹۳-۱۱۷.
- بشیر احسن، مسلم و قربانی نژاد، ریباز، (۱۳۹۶)، نقش زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی روستایی مطالعه موردی دهستان خرمورد واقع در شهرستان تویسرکان، مجله جغرافیایی سرزمین، سال ۴، شماره ۵۳، صص ۹۳-۱۰۷.
- خدابنده لو، هاجر، (۱۳۹۴)، تدوین برنامه اقتصادی ۵ ساله روستای پیرمرزبان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان، گروه جغرافیا، گرایش جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، رشت.
- رحمانی فضلی، عبدالرضا؛ منشی زاده، رحمت اله و علی پوریان، جهانبخش، عملکرد مدیریت مشارکتی - تعاملی دهیاران در توسعه اقتصاد روستایی با تاکید بر عناصر تولید و سرمایه گذاری: مورد بخش مرکزی شهرستان کوهدشت، مجله خراسان بزرگ، سال ۵، شماره ۱۶، صص ۲۸-۳۸.

رکن الدین افتخاری، عبدالرضا بدری، سیدعلی و سجاسی قیداری، حمداله، (۱۳۹۰)، بنیان‌های نظریه‌ای برنامه ریزی کالبدی مناطق روستایی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، معاونت عمران روستایی، تهران.

ریاحی، وحید؛ عزیزپور، فرهاد و نوری، آذر، (۱۳۹۵)، تحلیل سطح پایداری محیطی سکونتگاه‌های روستایی در شهرستان خرمدره، فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، جلد ۳، شماره ۲، صص ۱۷۳-۱۵۳.

شعبان زاده، مهدی؛ طاهری ریکنده، عمران و ریاحی درجه، فرشید، (۱۳۹۶)، بررسی ارتباط توسعه اقتصادی، تنوع فعالیت‌ها و آزادسازی تجاری با شدت انرژی در بخش کشاورزی، مجله پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال ۷، شماره ۲۷، صص ۱۴۳-۱۵۶.

شماعی، علی و احمدی، باقر، (۱۳۹۵)، تحلیل فضایی سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان کردستان، مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال ۶، شماره ۲۰، صص ۱۱۷-۱۲۸.

فرونی، بهزاد؛ استعلاجی، علیرضا و ولی شریعت پناهی، مجید، (۱۳۹۶)، نقش عوامل محیطی در توسعه اقتصاد روستایی مطالعه موردی بخش دیلمان شهرستان سیاهکل، مجله نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال ۹، شماره ۳، صص ۲۵-۴۹.

فضیحی، حبیب اله، (۱۳۹۷)، تحلیل نقش کلان شهرها در ساختار اقتصادی روستاهای پیرامون شهری مورد روستای گلحصار در شهرستان ری، مجله اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۷، شماره ۲ (۲۴)، صص ۱۰۷-۱۲۶.

فنی، زهره؛ بیرانوندزاده، مریم؛ سبجانی، نوبخت و سلطان زاده، اکبر، (۱۳۹۶)، تحلیل جایگاه تعاونی‌های مسکن در نظام برنامه ریزی در ایران، مجله پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، شماره ۱۵، صص ۷۹-۹۶.

لشکری، محمد، (۱۳۸۸)، توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشگاه پیام نور، تهران

مصلحی، آریو، (۱۳۹۵)، سنجش پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی محلات شهری مطالعه موردی: شهر گرگان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مشهد، دانشکده علوم انسانی، گروه جغرافیا، رشته برنامه ریزی شهری، مشهد.

نعمتی، مرتضی؛ طهماسبی، سیامک و قرقانی، معصومه، (۱۳۹۵)، سنجش میزان توسعه یافتگی و عوامل مؤثر بر آن در نواحی روستایی استان فارس با استفاده از تحلیل عاملی و ضریب ناموزون موریس، فصلنامه برنامه ریزی منطقه‌ای، سال ۶، شماره ۲۳، صص ۵۸-۴۵.

وصال، زینب؛ خواجه شاهکوهی، علیرضا و نجفی کانی، علی اکبر، (۱۳۹۶)، نقش صنایع کوچک در توسعه اقتصادی-اجتماعی نواحی روستایی مورد بخش مرکزی شهرستان فریمان، مجله اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۶، شماره ۱ (۱۹)، صص ۶۱-۷۶.

Arouri, M., & Ben Youssef, A., & Nguyen, C. (2015). Natural Disasters, Household Welfare and resilience evidence from rural Vietnam, GREDEG working paper No .03, PP 1-39.

Biddulph, R. (2015), Limits to mass tourism's effects in rural peripheries, Annals of Tourism Research 50 98-112.

Gavril-Pavena , L.(2015). Tourism opportunities for valorising the authentic traditional rural space-study case: Ampoi and Mures Valleys microregion, Alba County, Romania, Procedia - Social and Behavioral Sciences,Vol. 188, pp.111-115.

Huang, x, Li, H, Zhang, x, Zhang, xi. (2018). Land use policy as an instrument of rural resilience – The case of land withdrawal mechanism for rural homesteads in China, Ecological Indicators, No 87, PP 47-55.

Wilson, G.A, Hu, zh, Rahman, S. (2018). Community resilience in rural China: The case of Hu Village, Sichuan Province, Journal of rural studies, vo 60, pp 130-140.

